

دکتر عیسی بهنام
دانشیار دانشکده ادبیات

در باره رضا عباسی

راجع بهویت رضا عباسی بقدر کفایت در مقالات مختلف بحث شده. بهتر این است مطالب گفته شده تکرار نشود مبادا مسئله هویت این نقاش پیچیده تر گردد. امروز دیگر کسی رضا عباسی نقاش را با علیرضای عباسی خوشنویس اشتباه نخواهد کرد. ولی شاید بعضی تصور کنند که آثار رضا مصور همان رضا عباسی است. بنابراین در این مقاله کوشش خواهیم نمود هویت آثار رضا مصور را نیز روشن نماییم.

خانم زهرا داعی زاده در مجلد ۴ شماره ۵ - ۱۹۴۵ مجله «روزگار نو» با استفاده از کتاب «گلستان هنر» تألیف قاضی احمد قمی معاصر شاه عباس اول هویت علیرضا عباسی خوشنویس و رضا عباسی نقاش را بخوبی مشخص نموده اند. برای اینکه مطلب تکرار نشود و برای کسانی که دسترس بمجله روزگار نو نداشته باشند خلاصه مقاله خانم زهرا داعی زاده را در اینجا نقل میکنیم.

قاضی احمد قمی نویسنده همعصر شاه عباس اول و علیرضای عباسی خوشنویس و رضا عباسی نقاش بوده و هنگامی که «گلستان هنر» را مینوشته احتمالاً علیرضا در حدود ۳۵ تا چهل سال داشته، زیرا میگوید:

«مولانا علیرضا تبریزی سابقاً در تلو خوش نویسان ثلث و نسخ ذکر ایشان شد اما چون در جبلت بیعتش مرگوز بود که در فن خط نسخ تعلیق سر آمد زمان و نادر دوران گردد طبع شریفش بدان مایل و ذهن منیعش بدان راغب گشت و شروع در مشق آن نمود و در اندک زمانی بزور و قوت ام الخطوط که عبارت از ثلث است خوش نویسی گشت و خط را بجائی بلند رسانید و هر چه از مولانا میرعلی نقل مینمایند تفرقه چندان ندارد و آنچه از قلم گوهر ریز ایشان میریزد روز بروز تفاوت بین ظاهر میشود. وی بعد از ایامی که در مسجد جامع دارالسلطنه قزوین بکتابت و قطعه نویسی اشتغال داشتند بملازمت فرهاد خان رسیدند و خان مشارالیه او را تربیت و رعایت فرموده جهت موسی الیه کتابت میکرد. دو سال همراه خان بخراسان و مازندران رفت. چون شاه مالک رقاب سپهر رکاب بر حقیقت احوال او



زائر مشهدی

۶/۹ × ۱۱/۴ سانتیمتر

در مشهد مقدس آخر روز جمعه دهم محرم الحرام در دولت خانه در خدمت یاران ساخته شد. راقمه رضا مت ۱۰۰۷ خصوصاً صاحبی میرزا خواجگی سلمه اف

اطلاع یافتند ایشان را از خان گرفته ملازم خود ساختند. اکنون ده دوازده سال است که در ملازمت رکاب ظفر انتساب شاه کام بخش کامیاب در جمیع یورشها و یساقها اقدام دارند و از جمله مقربان و مخصوصان آن پادشاه عالمیاند....»

اگر فرض کنیم که علیرضای کاتب هنگامی که در مسجد جامع قزوین کتابت میکرد در حدود ۱۸ تا ۲۵ سال داشته، دو سال هم همراه فرهاد خان بخراسان و مازندران رفته و ده دوازده سال هم در خدمت شاه عباس بوده، در این موقع یعنی هنگامی که قاضی احمد قمی کتاب گلستان

هنر را مینوشته، وی احتمالاً در حدود ۳۵ تا ۴۰ سال داشته است.
در مقاله خانم زهرا داعی زاده نقل از گلستان هنر
راجع برضای عباسی چنین نگاشته شده :

« آقا رضا ولد مولانا علی کاشانیست. زمانه بوجود
با وجود او افتخار مینماید. در تصویر و چهره کشی
و شبیه کشی نظیر و عدیل ندارد. اگر مانی زنده بودی
و استاد بهزاد حیات یاقتی روزی یکی صد آفرین بر وی
نمودی و دیگری بوسه بردست نهادی. همگی استادان
و مصوران نادر زمان او را باستادی معلم دارند. هنوز ایام
ترقی و جوانی او باقیست. وی در خدمت اشرف شاه کامیاب
مالک رقاب سپهر رکاب سلطان شاه عباس خلدالله ملکه
میباشد اما بغایت کاهل طبیعت افتاده و اختلاط نامردان
ولوندان اوقات او را ضایع میسازد و میل تمام بتماشای کشتی
گیران و وقوف در آن و تعلیمات آن دارد. یکمرتبه صورت
ساخته و پرداخته بود که شاه عالمیان بجایزه آن بوسه بر دست
او نهادند. »

معمولاً علاقه ورزش و ارتباط با نامردان ولوندان
در بین ۱۸ تا ۲۵ سالگی پیدا میشود. بنا بر این میتوان
فرض نمود هنگامی که علیرضا عباسی خوشنویس در حدود
۳۵ تا چهل سال داشته، رضا عباسی نقاش بحدود ۱۸ تا ۲۵
رسیده بوده و در حدود ۱۵ تا ۲۰ سال با علیرضای عباسی
خوشنویس اختلاف سن داشته است.

مقاله خانم زهرا داعی زاده بسیار روشن است و مطلب را
همانطوریکه بحقیقت نزدیک است ادا نموده. تنها در عکسی
که در صحیفه ۶۹ در همان شماره مجله داده اشتباهی پیدا
شده که احتمالاً از نویسنده مقاله نیست و ممکن است هنگام
چاپ مقاله رخ داده باشد.

در واقع در صحیفه مذکور تصویری از رضا عباسی
با امضای «معین مصور» شاگرد رضا عباسی درج گردیده
و نویسنده مقاله در ذیل آن مرقوم داشته که یکی از کارهای
رضا عباسی است. احتمال داده میشود که خانم داعی زاده
عکس این تصویر را در کتابی یافته اند که نوشته آن واضح
نبوده و نتوانسته اند متن عباراتی را که درست چاپ تصویر
نوشته بخوانند.

در کتابی که هنگام نمایشگاه صنایع ایران در لندن



پر لده خوالده
اندازه ایست. جمعه دوم شهر ذی قعدة الحرام
سنه ۱۰۲۸ در منزل جالینوس الزماني حکيم ميغا...
حکم داده بود... که مرغی در جریده ساخته شد
۱۷/۳ × ۱۱/۳ سانتیمتر



هو. در روز شنبه یازدهم شهر رجب -
المرجب سنه ۱۰۴۲ (دو سال قبل از مرگ
استاد) این طرح شد. بواسطه جریده صاحبی ام
حضرت جالینوس الزماني حکيم شمسالمه الله
تعالی عن الاوقات رضاه عباسی



چو ۳۵ هزار

۱۰۱/۷ × ۱۵/۷ سانتیمتر

منتصف شعبان المعظم مشرق شد. مبارکباد سنه ۱۰۵۲ (بی امضا)

میباشد بنا بر این میتوان گفت در سال ۹۸۶ متولد و بسال ۱۰۵۴ در گذشته است و جمعاً ۷۰ سال عمر کرده است. خوانندگان متوجه خواهند شد که طبق عبارات نوشته شده در روی تصویر کلکسیون کوآتریچ رضا عباسی نقاش در سال ۱۰۴۴ وفات یافته است.

اگر مقصود از آخرین کار رضا عباسی مورخ به سال ۱۰۵۳ عکس شماره ۴ این مقاله میباشد باید متوجه بود که این تصویر مورخ بتاريخ ۱۰۵۲ میباشد و امضای رضا عباسی را ندارد. بعلاوه عبارت «منتصف شعبان المعظم مشق شد، مبارک باد، سنه ۱۰۵۲» که در بالای آن نوشته شده بکلی باخط و امضای رضا عباسی اختلاف دارد و بدون شک کار او نیست ولی بسبک کار او میباشد و شاید بوسیله یکی از شاگردان او ساخته شده باشد.

تصویر مذکور در سال ۱۹۳۱ جزو کلکسیون «انجل گروس» بوده ولی تصویر دیگری بسیار شبیه به آن در کلکسیون

در سال ۱۹۳۱ بقلم «بازیل گری» بطبع رسیده تصویر از رضا عباسی داده شده که با اختلاف بسیار جزئی شبیه همان تصویر است که در مقاله خانم داعی زاده در مجله روز گارنو درج گردیده و در گوشه چپ آن عبارت زیر نوشته شده است: «شبیهِ مرحمت و مغفرت پناهی مرحوم جنت مکانی استادم رضا عباسی علیه الرحمة و الغفران بتاريخ سنه ۱۰۴۰ ... شده بود و بتاريخ شهر صفر ... سنه ۱۰۸۷ بیادگار جهت مرقع باتمام رسید. مبارک باد معین مصور عون الله»

دو کلمه از این متن بعلت واضح نبودن عکس خواننده نشده ولی با این حال مقصود آن بسیار روشن است: معین مصور شاگرد رضا عباسی این تصویر را از استادش در تاریخ ۱۰۴۰ شروع کرده و در تاریخ ۱۰۸۷ یعنی چهل و هفتسال بعد آنرا باتمام رسانیده.

شاه عباس اول در تاریخ ۱۰۳۸ وفات یافته و بنا بر این معین مصور این تصویر را دو سال بعد از مرگ شاه عباسی از رضا عباسی کشیده، و در این موقع رضا عباسی آنطوریکه از تصویر مورد بحث مشهود میشود در حدود ۷۰ سال داشته. بنا بر این اگر فرض کنیم هنگامی که گلستان هنر نوشته شده رضا عباسی جوانی در حدود ۲۵ ساله بوده باین نتیجه میرسیم که گلستان هنر در حدود سال ۱۰۰۰ نوشته شده است.

خانم داعی زاده اظهار میدارند که تنها نسخه گلستان هنر متعلق بکتابخانه پدرش است و نگارنده اطلاع ندارد آیا این کتاب تاریخ هم دارد یا خیر. بهرحال اگر تاریخ داشته باشد این فرض را میتوان با آن تطبیق و اصلاح نمود. اگر تاریخ مرگ رضا عباسی طبق نوشته روی تصویر کلکسیون کوآتریچ، ۱۰۴۴ باشد تاریخ تولد وی در حدود ۹۷۴ قرار میگیرد.

این فرض با فرض آقای مهندس صدرا صدر در شماره اول فرهنگ جهان تطبیق نمیکند. فرهنگ جهان چنین اظهار میدارد: «در کتاب گلستان هنر منقول است که او در جوانی شهرت عالمگیر یافته و چون در سال ۱۰۰۷ که مقیم مشهد بوده تصویر یکی از دوستانش میرزا خواجگی را طرح نموده که بسیار استادانه است میتوان گفت در آنسال لااقل ۲۵ سال داشته. آخرین اثر موجودش متعلق بسال ۱۰۵۳

1) Persian Miniature painting, critical and descriptive catalogue of the miniatures exhibited at Burlington House 1931



مردی در حال فکر
بی امضا - ۹/۵ × ۹ سانتیمتر

کواتریچ میباید و آن همان است که خانم داعی زاده در مقاله خود داده و متن عباراتی که در روی آن نوشته شده بقرار زیر است « تصویر استاد من رحمة الله علیه که برضای عباسی اشعر معروف است بود. این تصویر در ماه شوال ۱۰۴۴ شروع شده و در ذالقعده همین سال وی از این دارقانی بسرای جاودانی شتافت. تصویر مذکور چهل سال بعد در چهاردهم رمضان ۱۰۸۴ بخواش فرزندم محمد نصیرا صورت اختتام پذیرفت معین مصور غفر الله ذنوبه. »

اما مطلبی که باعث تعجب میباید این است که بچه علت معین مصور در تصویر کلکسیون « انجل گروس » و در تصویر کلکسیون کواتریچ شبیه استاد را یکی چهار سال پیش از مرگ وی و دیگری در سال مرگش شروع کرده و اولی را چهل سال بعد یعنی در سال ۱۰۸۷ و دومی را در سال ۱۰۸۴ با تمام رسانیده است؟

تاریخ جلوس شاه سلیمان دوم در اصفهان سال ۱۰۷۹ و تاریخ مرگش سال ۱۱۰۵ میباید. بنابراین تاریخ اتمام تصاویر رضا عباسی بدست معین مصور در حدود ده سال

پس از جلوس شاه سلیمان دوم است. شاید در این موقع بدلایلی شاه سلیمان یا نقاشان معاصر وی متوجه این موضوع شده اند که رضا عباسی نقاش بزرگی بوده و تصمیم گرفته اند همانطوریکه معین مصور میگوید برای حفظ در آلبوم (مرقع) بعنوان یادگار تصویر او را حفظ کنند (کدام آلبوم ؟). اتفاقاً در همین زمان است که بسیاری از نقاشان سبک کار رضای عباسی را پیش میگیرند و سبک مکتب هرات و بهزاد بکلی متروک و فراموش میگردد.

درواقع سبک رضا عباسی بنظر تا اندازه ای آسان تر از سبک کار بهزاد و مکتب هرات است. بهزاد احتمالاً برای تهیه یک صحیفه مصور وقت بسیار صرف مینمود زیرا تمام جزئیات کاشی کاریها و نقش چادر و بارگاه و لباس و ریش و غیره را با نهایت دقت نقش مینمود. برعکس غالب کارهای رضا عباسی با سبک مخصوصی طرح شده که احتمالاً مدت بسیار کمی از وقت او را گرفته. شاید تهیه بسیاری از این نقوش کمتر از یکساعت وقت لازم داشته اند. با اینحال شکی



زندانی

بی امضا - ۶/۷ × ۶/۹ سانتیمتر

(۱) عکسهای این مقاله از کتاب Zeichnungen Von Reza Abbasi تألیف Sarre و Mittwoch چاپ مونیخ - ۱۹۱۴ گرفته شده است.

بدست نمیآید. این کار را پس از چند قرن اروپائیان شیوه خود قرار دادند، و مکتبها از آن بوجود آوردند. بعضی از سیاه قلمهای رافائل بکارهای میکال آنژ و لئونارد داونچی شباهت دارد. اگر زندگی هنری رضا عباسی بین ۱۰۰۰ و ۱۰۴۴ هجری (۱۵۹۱-۱۶۳۴ میلادی) قرار گرفته باشد باید متوجه بود که میکال آنژ در تاریخ ۱۴۷۵ متولد و در تاریخ ۱۵۶۴ وفات یافته و لئونارد داونچی در تاریخ ۱۴۵۹ متولد و در تاریخ ۱۵۱۹ وفات یافته است.

از نوشته‌های فوق چنین برمیآید که رضا عباسی نقاشی حقیقت ساز است. ولی با اینحال به بسیاری از کارهای رضا عباسی برمیخوریم که برعکس کاملاً خیالی و ایدآلی و دور از حقیقت میباشند. در واقع شاهکارهای رضا عباسی نیز در همین نوع دوم قرار گرفته. رضا عباسی مخترع خطوط منحنی و موزونی است که هر کدام یک دنیا شعر و خیال دربر دارند. ولی هر خط منحنی و موزونی زیبا نیست. سر زیبا بودن خطوط منحنی و موزون را باید از هنرمندان عالیقدر



مرد پیر و دختر جوان
بی امضا - ۱۲/۶ × ۱۲ سانتیمتر

براز دوره مرد
بی امضا - ۱۱/۲ × ۱۷/۱ سانتیمتر

نیست که در بسیاری از نقوش رضا عباسی یکتوح روح و حیات مخصوصی است که در بسیاری از کارهای بهزاد نیست. رضا عباسی وقت خود را صرف نقش تمام جزئیات یک سردر یا یک کاشی کاری نکرده ولی با چند حرکت دست مشکل‌ترین اشکال و زنده‌ترین حرکات را بیان نموده است. در تصاویری که در این مقاله داده میشود خوانندگان خود بی بارزش کار رضا عباسی خواهند برد و متوجه خواهند گردید که اگرچه در این تصاویر رنگ بکار برده نشده ولی حالات مخصوصی چنان با دقت از روی طبیعت نقش شده که بخودی خود در مقابل چشم بیننده بحرکت میآید، و در فضائیکه عمق واقعی دارد جان پیدا میکند. آن مردیکه شکم بزرگی دارد، و شالش را از روی تنبلی زیرشکمش بسته، و با حالت مخصوصی بانوک انگشت سرش را میخاراند، قطعاً از مقابل چشم رضا عباسی گذشته، و مانند عکس فوری در مغز او مجسم گشته. رضا عباسی نمیتوانسته است بخانه برود و پس از مدتی کار، این شخص را با تمام جزئیات لباس و ریش و مویش نقش نماید. وی پیش از آنکه این قیافه مضحک از نظرش محو شود با چند حرکت قلم آنرا روی کاغذش ثبت نموده. زیرا حرکت فرار است، و همینکه از نظر محو شد دیگر





عاشق و معنوق $13 \times 9/7$ سانتیمتر
در شب پنجشنبه یازدهم شهر محرم الحرام سنه ۱۰۵۲
در کوچه آسدریاکان (۹) مشق شد مبارک باد

عصر حاضر سؤال کرد زیرا ما همینقدر میبینیم که زیبا است و دل میبرد ولی هیچ دلیل و منطقی برای آن نمیتوانیم بیاوریم. کدام شاعر یا موسیقی دانی توانسته است با دلیل و منطقی شعر یا قطعه موسیقی خود را توضیح دهد؟ و مزیت آنرا بر شعر یا قطعات موسیقی دیگران ثابت نماید. اینجا کار دل است نه منطقی. وقتی همه، از شاه عباس کبیر تا ماهیگیر کنار دریای مانش، متفق القول کار رضا عباسی را میپسندند، دیگر جای دلیل و منطقی برای بیان زیبایی کار او باقی نمیماند. بهتر این است که ما هم تضاد و تشخیص درباره کارهای رضا عباسی را با ارائه چند تصویر در این مجله بخوانندگان و گذار نماییم. ولی بسیاری دیگر از کارهای این هنرمند در ایران و در خارج از ایران موجود است، و ما امیدواریم روزی میسر شود که تعداد کمی از کارهای اصلی این استاد که در تهران است و تعداد زیادی از عکسهای شاهکارهای وی که در خارج ایران است در معرض نمایش عموم قرار بگیرد. اینک، طبق وعده ابتدای این مقاله، آقا رضا مصور را نیز با چند کلمه معرفی نموده، امیدواریم میسر شود که کارهای وی را نیز در مقاله آتی معرفی نماییم.

خوشبختانه غالب کارهای آقا رضا مصور در کتابخانه کاخ سلطنتی گلستان موجود است و الحمد لله در نتیجه مراقبتی که مسئولان کتابخانه مذکور نشان داده اند این گنجهای گرانبها در کشور ما باقی مانده، و جزو آثار نادری میباشند که راه خارج را پیش نگرفته اند.

آقا رضا اهل هرات است و هنگامیکه جهانگیر پسر اکبر شاه هنوز سمت ولایت عهد را داشت به خدمت وی وارد شد، و به هندوستان رفت. قسمت مهمی از حاشیه های مرقع گلشن را برای جهانگیر با تصاویر بسیار زیبایی مزین نموده و امضای او در صفحات ۲۹ و ۱۰۵ و ۱۴۵ و ۱۵۲ مرقع گلشن دیده میشود. ولی این مطلب که آقا رضا مصور شاگرد رضا عباسی نقاش بوده باشد، بنظر صحیح نمیآید؛ زیرا مثلاً یکی از تصاویر مرقع گلشن که با امضای وی رسیده (صحیفه ۱۰۵ مرقع گلشن) مورخ بتاريخ ۱۰۰۸ است. در اینموقع وی در هندوستان در خدمت جهانگیر بوده و حال اینکه طبق نوشته همین مقاله این موقع ابتدای کار رضا عباسی در دربار شاه عباس بوده است. آثار ضای مصور پسر نیز بنام ابوالحسن داشته است که با دست چپ نقاشی میکرد. و بسیار مورد توجه جهانگیر بوده است ولی توضیح احوال اینان گنجایش این مقاله را ندارد.

مرد دور او نشسته $16 \times 8/7$ سانتیمتر
رقم کتبه رضا عباسی

